

بررسی علت دخالت دولتهای خارجی در حمایت از حقوق

کودکان در مخاصمات مسلحانه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۱۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۳/۱۸)

شراره زبر دست

چکیده

ما تا کنون شاهد جنگ های بسیاری در طول تاریخ بودیم ؛ از قبیل جنگهایی مثل جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم و جنگ های یوگسلاوی و رواندو و..... این جنگ ها نه تنها خانه و کاشانه ؛ مدارس و بیمارستان ها را نابود میکند بلکه جان انسانها را نیز در خود می بلعد و اینها فقط صرفا به خاطر زودودن قدرت سرمداران و حاکمان است و این تصویر وحشتناکی از نقض حقوق بشر و جنایت علیه بشریت را ترسیم کرده و یک تراژدی غمبار به خاک و خون کشیدن غیر نظامیان می باشد علی الخصوص (زنان و کودکان) که قربانی سیاست ورزی مرسوم اصحاب قدرت میشوند و این وجدان انسان مدارانه جهان را کشته است بی تردید قربانیان این نوع از جنگ ها حقوق بشر هستند که نقوصی مثل اصل تمامیت ارضی و تجاوز نظامی به خاک کشور دیگری و هم چنین جنایت نسل کشی و کشتار دست جمعی (ژنوسید) علیه افراد غیر نظامی به کار برده میشود. البته ما سازمانهایی برای حفظ این حقوق داریم مثل سازمان ملل متحد که هدف آن برقراری حفظ صلح و امنیت بین المللی در جهان است ؛ یا کنواسیون های حقوق بشر، یونسف، که اینها هدف حفظ از کودکان دارند. در این مقاله ما به حفظ از حقوق کودکان میپردازیم و اینکه در طول جنگها چه آسیب هایی به کودکان ممکن است برسد و برای حفظ از آنها چه میتوان انجام داد.

واژگان کلیدی: حمایت از کودکان ؛ دخالت دولتهای خارجی ؛ حقوق مخاصمات مسلحانه.

بخش اول: کلیات

همانطور که می دانیم جنگها قربانیان و هم چنین خرابی هایی بسیاری به بار می آورد مثل خراب شدن خانه، مدارس، بیمارستان، بعضی از کارخانه اما آنچه که دردناک است این است که انسانها را نیز درگیر خود میکند به عنوان مثال میتوان این جمله روان شناس معروف لیلان گیللاس که در مورد " چوب و سنگ می تواند استخوان های مرا بشکند اما شکنجه روحی و روانی یا از دست دادن خانواده بدترین عذاب من است ".

معمولاً زمانی که صاحب مداران قدرت میخواهند به خاطر قدرت سیاسی بیشتر؛ باید به قلمرو کشور دیگری تجاوز نمایند که دیوان کیفری بین المللی و اساسنامه برای آن مجازات نیز تعریف نموده است. اما قربانیان این نوع جنگها همانطور که تا کنون دیده شده زنان و کودکان هستند. به گزارش سرویس زنان جهان؛ جنگ بوسنس از سال ۱۹۹۲ آغاز و در سال ۱۹۹۵ با امضای قرارداد دیتون به پایان رسید، بیشترین آسیب را به زنان و کودکان بوسنیایی وارد کرد. به گزارش چندین خبر گذاری از ابتدا تا پایان جنگ بیش از ۸ هزار مسلمان به قتل و بیش از ۳۰۰ هزار غیر نظامی کشته و به بیش ۱۰۰۰ هزار زن مسلمان را مورد تجاوز و کودکان پسر را خیلی را به قتل و بقیه را به کشورهای دیگر به عنوان برده یا نیروی کار انسانی می فروختند؛ و خیلی از دختران کودک نیز سرنوشت مادرانشان دچار میشدند.

به نوعی میتوان این گونه بیان نمود که در جنگ بوسنی زنان هزینه سنگینی را متحمل شدند. یا در جنگ رواندو نیز به همین شکل میباشد و آنچه که مسلم است این میباشد که امکان دارد در جنگهای آینده نیز این اتفاقات ناخوشایند مورد تکرار و تعدد قرار بگیرد ولی آنچه که تا کنون ما شاهد بودیم بعد از جنگ؛ دادگاه هایی یا به صورت اختصاصی و یا دیوان کیفری بین المللی افراد مرتکب جرم را مجازات نمودند اما در طول این جنگ ها با وجود قوانین و مقررات و کنواسیون های در این زمینه رعایت نمی گردد.

بخش دوم: قربانیان جنگ ها (زنان)

همانطور که بیان نمودیم:

جنگ ها هزینه های بسیاری زیادی را از خود به جای گذاشتند اما بیشترین هزینه را زنان و کودکان در جنگ متحمل می شوند.

در طول جنگها وقتی به کشوری حمله می نمودند عقیده بر این داشتند که نسل افرادی که در آن کشور زندگی می کنند باید نابود و زایل گردد و یا آن قوم باید از بین برود که در کتب و مقالات از آن به عنوان پاکسازی قومی یاد میشوند.

در زمان جنگ کشور صربستان و بوسنی هرزه گوین طبق چندین گزارش زنان بوسنی را از تاریخ (۱۹۹۵ تا ۱۹۹۲) مورد تجاوز جنسی قرار داده و هاسجیچ مدیریت (انجمن زنان آسیب دیده جنگ بوسنی) این گونه بیان نمود که "یکی از زنان مسلمان بوسنیایی مورد تجاوز قرار گرفته است و از سال ۲۰۰۳ تصمیم گرفته زنانی که قربانی جنگ شده اند در انجمنی گرد هم بیاورد تا حقشان را از متجاوزان بگیرند و تا کنون در انجمن ۱۸۰۰ زن صرب و کروات مسلمان را تحت پوشش قرار داده".

این گروه سنی تجاوز به دختران و زنان از سن های ۱۱ تا ۶۰ سال بودند دخترانی که باید با خیالی راحت فقط به فکر تحصیل و آموزش های خود بشوند اما به دلیل جنگ در کشورشان بارها بارها مورد تجاوز قرار گرفته و یا حتی با اینکه خودشان کودکی بیش نیستند دارای کودکی دیگر نیز شده اند.

البته که فقط هدف در این گونه جنگها بر قدرت و پاکسازی نسل و یا نژاد خاص و مذهب و یا قوم باشد. مثل ادلف هیلتر "رهبر جنگ جهانی دوم" که با هدف نسل برتر دست به کشتار دست جمعی و کوره های آدم پزی راه انداخت.

بخش دوم: قربانیان جنگ ها (کودکان):

تا اینجا مقاله ما بحث زنان پرداختیم اما کودکان که در این جنگ ها قربانی هستند و شاید بتوانیم اینگونه بیان کنیم که شاید بیشترین قشر آسیب دیده در طول جنگ ها همین کودکان خواهند بود که به خاطر وضعیت کشورشان یک سرنوشت دیگری برای آنها رقم خواهد خورد. در طی جنگ ها و مخاصمات مسلحانه اعم از جنگ های داخلی و بین المللی؛ میتوان بیان نمود بیشترین کسانی که مورد نقض و آسیب های جدی چه از نظر (سلامت روان؛ سلامت جسم) همین کودکان میباشند.

به عنوان مثال در طول جنگ های بوسنی هرزه گوین و صربستان و یوگسلاوی و روندا زمانی که به زنان و کودکان دختر مسلمان را مورد تجاوز و اذیت و آزار قرار می دادند برای ار بین

بردن نسل مسلمان کودکان پسر یا عقیم سازی می کردند یا آنها را به قتل می رسانند؛ و نوزادان پسر را به خانواده های یهودی می دانند و ملیت و مذهب و قومیت آنها را به طور کامل عوض مینموند این به نوعی پاکسازی قومی یا همان از بین بردن یک نسل یا یک نژاد خاص می گویند.

بخش سوم: پیشینه حقوق کودکان در عرصه حقوق بین الملل

توجه به حقوق کودک برمی گردد به دروان پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸) که جامعه ملل اعلامیه ای ۵ ماده ای در این خصوص تصویب کرد؛ ولی به خاطر رعایت نکردن این اصول و نادیده گرفتن حق کودک و تضييع گسترده حقوق کودکان مخصوصا در زمان جنگ، پس از فروپاشی جامعه ملل در زمان جنگ جهانی دوم با اعلام رهبر آلمان (ادلف هیتلر) که ما جامعه ملل قبول نداریم پس از اتمام آن سازمان ملل متحد تاسیس گشت که در مورد حقوق کودکان (در اعلامیه حقوق بشر به حق کودک اشاره نمود) و سپس قطعنامه ای را در مورد آن تهیه نمود که متن پیش نویس آن در اجلاس ۲۰ نوامبر مورد تایید و با عنوان "اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹" به تصویب رسید.

بخش چهارم: حمایت بین المللی از حقوق کودکان

پس از آنجا که آسیب پذیرترین قشر در حقوق مخاصمات مسلحانه کودکان میباشند پس باید یکسری مکانیزم های بین المللی در جهت حمایت و حفاظت از حقوق کودکان وجود داشته باشند؛ که برای جلوگیری از اتفاقاتی نظیر بی خانمانی کودکان - بی سرپرستی - محرومیت از آموزش - سو استفاده جنسی - سو تغذیه - استفاده از کودکان به عنوان مین های زمینی (یا عملیات انتحاری) و خطراتی از این قبیل بنابراین سازمان و کنواسیون ها و یکسری نهادها انسان دوستانه وجود دارند که عبارتند از:

الف) اسناد بین المللی کنواسیون چهارم ژنو ۱۹۵۹

ب) پروتکل الحاقی کنواسیون ژنو ۱۹۷۷

ج) اساسنامه دیوان کیفری بین المللی ۱۹۹۸

د) کنواسیون حقوق کودک ۱۹۸۹

ذ) پروتکل اختیاری کنواسیون حقوق کودک ۲۰۰۰-۲۰۰۱

ه) اعلامیه حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی - حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی

ح) اولین قطعنامه شورای امنیت درباره کودکان مخاصمات مسلحانه در اوت ۱۹۹۹

ر) دومین قطعنامه شورای امنیت درباره کودکان و نقض حقوق بشر دوستانه ۱۳۱۴

ز) سومین قطعنامه شورای امنیت درباره تاثیر مناقشات مسلحانه بر کودکان ۲۰۰۱

ذ) پیمان نامه حقوق کودک مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹

بخش پنجم: دخالت دولت های خارجی در حمایت از حقوق کودکان

الف) دولتها نباید فرزندان کوچک (چه دختر و چه پسر) را بپذیرند؛ یا کودکان زیر ۱۵ سال را در مخاصمات مسلحانه راه ندهند با توجه به ماده ۳۸ کنواسیون حقوق کودک "دولت ها باید قواعد حقوق بشر دوستانه را درباره کودکان رعایت فرمایند".

ب) اگر کودکی وارد کشور دیگری می گردد برای اینکه بتواند روزی خانواده واقعی خود را پیدا کنند دولتها میتوانند کارتهای از قبیل:

- کودک در چه سنی و در چه تاریخی وارد کشور شده است

- کودک از کدام کشور وارد شده است مثل در جنگ صربستان بگوییم که کودک از ناحیه جنوب غربی صربستان به کشور ما آمده است

- آیا کودک مورد تجاوز جنسی واقع شده است

که مطابق ماده ۴۹ کنواسیون چهار گانه ژنو "دولت اشغالگر هنگام انتقال یا تخلیه کودکان باید به گونه ای اقدام کند تا حتی الامکان کودک در موسسات مناسبی پذیرفته شود که از جهت سلامت؛ بهداشت؛ امنیت؛ تغذیه در شرایط مناسبی و رضایت بخشی قرار بگیرد".

و اینکه آیا هم چنین اصولی در طی جنگ و مخاصمات مسلحانه رعایت میشود یا خیر خود مورد بحث است که بعدا به آنها خواهیم پرداخت.

ج) اگر کودک به دلایلی نتوانست به کشور خود و خانواده خود باز گردد مثل اینکه عزیزان آن در طول جنگ فوت کرده باشند؛ یا خانواده اسیر جنگی باشند

بعد از شناسایی و تشخیص هویت کودک توسط دولتهای خارجی طبق ماده ۴۰ کنواسیون چهار گانه برای کودک (حق تحصیل و برخورداری از آموزش رایگان - فعالیت های فکری

- تفریحی - ورزشی - و هم چنین احتیاجات ضروری نظیر پوشاک و خوراک و هم چنین مکانی امن برای زندگی - و برخورداری از بیمارستان ها و مراکز درمانی باید فراهم شود) شاید این حداقل خوبی باشد که ما انسانها بتوانیم در حق ممنوع خودمان انجام دهیم برای زندگی یک کودک دیگر.....

د) ممکن است کودک به عنوان یک بیگانه، فراری با توجه به وضعیت مرزها در طول جنگ وارد شده باشد و یک جرمی را انجام بدهد متأسفانه کودک ما به دلیل حاضر در کشور خود نمیتواند از حمایت دیپلماتیک کشور خود برخوردار باشد بنابراین بهتر است منع مجازات های همچون اعدام را در نظر بگیریم.

که از اجلاس های سران جهان ۱۹۹۰ تا آخرین گزارش جهانی سال ۲۰۰۷؛ علاوه بر دوماده ۳۷ و ۳۸ کنواسیون ۱۹۸۹ و ماده ۴۹ کنواسیون های چهارگانه ژنو تلاش های بسیاری برای حمایت از حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه شده است و هم چنین باتوجه به چندین مرکزی خبری دیگر سران جهان در اجلاس سپتامبر ۱۹۹۰ در میان ۲۷ هدف مربوط به (بقا - بهداشت - تغذیه - آموزش - حیات) حمایت در برابر تاثیرات جنگی و نیاز های اساسی در نواحی آسیب دیده و تاسیس مراکز امن برای کودکان تلاش شده است.

نتیجه گیری

همانطور که تا اینجا بیان شد زنان و کودکان بیشترین قربانیان این جنگها هستند؛ علی الخصوص کودکان آنها کسانی هستند که به خاطر زودون قدرت اصحاب قدرت و سیاست مداران از خانواده خود دور افتاده یا شاید آنها را برای همیشه از دست دهند. مثل جمله روان شناس لیلان گیلان که در مقدمه نیز بیان شد؛ کودکان در طول این جنگها نه تنها آسیب جسمی بلکه حتی آسیب های روحی نیز می بینند؛ زمانی که یک کودک تمام اعضای خانواده خود را از دست میدهد - یا فقط به این خاطر که نیاد یا قومیت کودک متفاوت میباشد آن را عقیم سازی یا کوچ اجباری یا مورد آزار و اذیت و شکنجه قرار دهیم بنابراین همه اینها به نوعی آسیب محسوب میشوند پس باید کنواسیونی یا قوانین در این خصوص در مقررات بین المللی که کشورها به آن جامعه عمل بپوشانند بگذاریم.

و البته اگر خانواده ای باشد (به عبارتی در طول جنگ فوت ننموده یا اسیر نباشند) با کنواسیون های وضع شده مثل ماده ۴۹ کنواسیون های چهارگانه ژنو یا ماده ۳۷ و ۳۸ کنواسیون حمایت از کودکان سال ۱۹۸۹ و دیگر اسناد و قوانین و مقررات حقوق بین الملل در آینده بتوان کودکان را به خانواده هایشان رساند مثل اینکه زمانی که کودک به کشور خارجی دیگری انتقال میابد برای کودک تازه وارد شده پلاک های هویتی بسازند (از قبیل اینکه در کدام جنگ بوده است و در کدام ماه به کشور ما آمده است؛ زمانی که وارد شده کودک چندسال بوده است).

کودکان جنگ زده باید در مراکز امن که تحت نظر یا کشورهای خارجی می باشد نگهداری شوند و این کودکان باید از حقوق اولیه خود مثل (حق حیات، حق تحصیل و آموزش، امکانات تفریحی، مراکز درمانی از جمله بیمارستان ها) برخوردار باشند.

و در صورت عدم خانواده اگر خواستند آنها را به خانواده هایی تحت سرپرستی دهند باید مراقبت های اولیه و اینکه آن خانواده علاوه بر رفع احتیاجات مادی فرزندان بتواند خلاهای احساسی و عاطفی آنان را برطرف نماید.

به امید روزی که در سرتاسر جهان پر از صلح و آرامش باشد و از هرگونه ظلم و ستم عاری و پاک باشد.

منابع و مآخذ

- حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه ؛ مجتبی مروت ؛ حقوق و سیاست ؛ شماره ۱۸-۱۳۸۵.
- حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه (رهیافت های حقوق بین الملل و حقوق اسلام)؛ سید مصطفی میر محمدی ؛حقوق بشر ؛ شماره ۱ و ۲.
- بهمن آقایی،فرهنگ حقوق بشر ؛ تهران،۱۳۷۶.
- شیرین عبادی، حقوق کودک "نگاهی به مسایل حقوقی کودکان در ایران (به انضمام متن کامل کنواسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ و اعلامیه اجلاس جهانی سران دولت ها برای کودکان ۱۹۹۰.
- حسین مهرپور ؛ نظام بین المللی حقوق بشر ؛تهران ۱۳۸۳.